

#### گفت‌و گو

**علی محمد مؤدب**، زاده سال ۱۳۵۵ تربت جام، شاعر و نویسنده معاصر ایرانی است. عاشقانه‌های «بسر نوح» و «دردهای حرف‌های» از جمله مجموعه‌های شعری اوست. آثار مودب غالباً در حوزه شعر سپید، نیمایی و کلاسیک دسته‌بندی می‌شود. یکی از مجموعه‌های مهم علی‌محمد مودب کتاب شعر سپید «سفر بمباران» است که در موضوع استکبارستیزی و با نگاهی انتقادی سروده شده است. این کتاب در حوزه شعر اعتراض جای دارد. *گفت‌وگوی زیر پیرامون* این کتاب با این شاعر نامی کشور تهیه و تنظیم شده است.

\*\*\*

■ **به عنوان نخستین سوال و مقدمه موضوع ابتدا بفرمایید موضوع و محتوای کتاب «سفر بمباران» چیست؟**

اسم کتاب «سفر بمباران» گویاست؛ به هر حال در روزگاری که ما زندگی می‌کنیم، با توجه به چرخه حیات و دوره‌هایی که بر انسان می‌گذرد، به‌نظم این دوران را می‌توان دوران بمباران نامگذاری کرد. کتاب «سفر بمباران» نوشته‌ای است که از اثر بمباران به یادگار می‌ماند. در ادوار تاریخی اختلا اختراع خط و… برجسته می‌شود و یک دوره تاریخ به عنوان دوره اختراع خط نامگذاری می‌شود و نسبت به دوره‌های دیگر زندگی بشر متمایز می‌شود. در این روند حرکتی جامعه انسانی به فناوری بمباران دست پیدا کرده است و روزگاری که ما به دنیا آمدیم و این چند دهه‌ای که زندگی کردیم شاسخ‌ترین چیزی که از این دنیا دیدیم و انسان با آن متمایز می‌شود «بمباران» است. بشر امروز در وضعیت بمباران قرار دارد، البته این بمباران یک صورت فیزیکی دارد که با همان بمب و گلوله است که بر سر مردم می‌ریزند، مشخص می‌شود. اما این بمباران یک باطنی هم دارد که در ساحت‌های دیگر و در حوزه‌های فکر، فرهنگ و… صورت می‌گیرد.

■ **وقتی مخاطب کتاب را می‌خواند با اصطلاحات و کلماتی مواجه می‌شود که انگار علیه مدرنیته شوریده‌اند؛ اشعار این کتاب در نقد مدرنیته است یا در تقابل با آن؟**

بسنده آثار خود را از این وقایع نوشتم ولی قاعدتاً هر دو اتفاق می‌افتد یعنی گاهی درگیری، وحشت و نفرت من از این پدیده است و گاهی هم اینطور نیست! البته گاهی برخورد مهربانه‌تر نسبت به این پدیده دارم، چون خودم نیز به ناچار در دنیایی زندگی می‌کنم که نموده‌ای مدرنیته را در آن مشاهده می‌کنم. جامعه‌ای که تحت تاثیر این فکر، فرهنگ و نگاه است، ما هم در همین جامعه زندگی می‌کنیم و نمی‌توانیم بگوییم که نه، ما یک جای جدایی هستیم. همین نگاه نویی که عمداً همگی از غرب آمده است، خدماتی هم در حوزه‌های مختلف کرده‌است و البته خیات‌هایی نیز داشته‌است. من بیشتر اگر متوجه چیزی بوده باشم، توجه به این قضیه داشتم که اگر او (مدرنیته) به ما ضربه می‌زند، بیشتر بخاطر غفلت خود ما هست که از این پدیده آسیب می‌بینیم؛ یعنی اینکه در حوزه فکر، فرهنگ، علم و… واردات بی‌رویه داریم و در پس این واردات تأمل لازم را برای هضم و انتخاب‌گری در مقابل آن نداریم.

■ **ما تقریباً جهان‌بینی و جغرافیای ذهنی شما را در شعر کلاسیک‌تان از جمله *مثنوی بابا رجب* مشاهده می‌کنیم، چه اتفاقی افتاده که شما برای بیان مطالبی از این دست قالب سپید را برای اشعار خود انتخاب کردید؟**

من قالب‌های نو را خیلی دوست دارم و دوست داشتن من هم به‌خاطر کارکردش است؛ به نظر می‌آید آن توانی که شعر نیمایی و شعر سپید برای بیان مسائلی که انسان امروز دارد و آن فرصتی که ایجاد کرده، در قالب‌های سنتسی نیست. چون آزادی پرداختن به موضوعات متنوع و آزادی استفاده از کلمات متنوع در آن فراهم نیست. مثلاً در مثنوی «بابا رجب» برای به کار بردن کلمه «مریخ» باید تمهیداتی داشته باشم که چگونه این کلمه را در آن پیاده‌سازی کنم و باید در مثنوی الفاظی را به کار ببندم که نظر من شعر سنتی را به هم نریزد ولی در شعر سپید آزادی بیشتری در بیان عواطف و احساسات خود دارم، من بسیار آدم حساسی هستم. وقتی آنقدر در تنگنای وزن و قافیه قرار دارم این آرامش فنی که قالب جدید (نو و سپید) به من می‌دهند را ندارم. مثلاً کاری که در آغاز «سفر بمباران» شده با حروف انگلیسی cd / dvd شروع شده است که به هیچ وجه امکان ندارد آن را در

#### نقد و بررسی



**سیدوحید سمنانی**<sup>؟</sup>: کسانی که شعر امروز را دنبال می‌کنند بی‌گمان با آثار و نام علی‌محمد مودب آشنا هستند. اگرچه نخستین مجموعه شعر او فضایی کاملاً عاشقانه و تغزلی داشت اما تجربه‌های بعدی او بیشتر در فضایی مذهبی– انتقادی سروده شده‌اند.نتیجه تحلیل سروده‌های او در کن این واقعیت است که مودب شاعری موج‌سوار نیست و ابرازهای شاعرانه او با تغییر روحیه جامعه ادبی و سیاسی دستخوش تحول نمی‌شود. بر همین اساس می‌توان قاطعانه گفت مودب شاعری ایدئولوژیک است و اشعارش را براساس ایدئولوژی بارز و مشخصی می‌سراید که در خلال سال‌های گذشته تغییر محسوس در آینه خلیقات او نداشته است. هر خواننده دقیقی با مرور اشعار او در خواهد یافت که این نحوه سرائش ارتباط تنگاتنگی با شیوه زندگی و نگرش او به دنیای پیرامونی‌اش دارد. مرور نخستین شعر این مجموعه بر خواننده این نکته را روشن می‌کند که نام‌گذاری این مجموعه بر پایه آگاهی و آشنائه به کتاب‌های آشنائی قرآن و تورات است. انتخاب کلمه «بِسر» که بر پیشانی برخی ابواب کتاب مقدس است تصادفی نیست. نام این کتاب از آنجا که درون‌مایه‌ای ضداستکباری دارد، القاکنده بدعتی است که در کتاب مقدس اتفاق افتاده؛ چنانکه «اسپینوزا»ی یهودی ثابت کرده ۵ سفر عهد عتیق، بی‌شک بعد از حضرت موسی به این کتاب افزوده شده است. شاعر با این آگاهی فضل تازه‌ای با نام «بمباران» را بر آن منصور شده است. لمس این پارادوکس از آنجا بر دل می‌نشیند که مستکبران در هر لباس و هر نامی سعی در مقدس نشان دادن فعالیت‌های ضدبشری خود دارند. از همین رو شاعر «بمباران» را به عنوان نماد نسل‌کشی در کنار بسفر که واژه‌ای مقدس، نشاندۀ است. تغییر نحو و هماهنگی لحن و قطعه‌قطعه شدن کلمه‌ها لحن ترجمه قرآن و تورات را فرایاد می‌آورد. حروف مقطعه ویژه قرآن است و این نوع کلمات رمزگونه در دیگر کتاب‌های آسمانی نمودی آشکار ندارد. با این وصف باید گفت شاعر با چنین بخش‌بخش و قطعه‌قطعه تلفظ کردن حروف لاتین دست‌کم ۲ هفت ز دنبال کرده است: نخست ارجاع ذهن مخاطب به کتاب‌های مقدس و دوم رمزگونه بودن این کلمات آشنا. همانطور که اوردیم حرف مقطعه و حضور کلمات رمزآلود در کتاب‌های مقدس تنها در قرآن دیده می‌شود و شاعر با تأکید بر «حروف مقطعه» موضع خود را در همین ابتدای کتاب روشن می‌کند؛ از نظر شاعر استکبار تنها جنبه بیرونی ندارد. هشدار



قالب سنتی به کار گیرم. وقتی از حروف مقطعه انگلیسی در آغاز کتاب استفاده کردم، وحی و الهام شیطانی که از دنیای مدرن به ما می‌شود با این حروف و زبان و… ما را قطع می‌کند و یک انهدام فرهنگی برای ما، حضور همین کلمات است. به هر حال بعد از حضور پدیده‌های مدرن، مسائل تازه‌ای رخ نموده که این مسائل به‌خاطر حضور پررنگ زبان‌های خارجی و مفاهیم بیگانه است و خیلی در فرم کلاسیک و حتی نیمایی اشعاری را نمی‌بینیم که بتوانند این مفاهیم جدید را بیان کنند، اینجاست که زبان حال آنجلینا جولی، لویاتان و… را در مثنوی استفاده کنید، طبیعتاً گرفتار طنز ناخواسته می‌شوید، موسیقی‌ها همخوانی ندارند، در حالی که مثلاً در حال نگارش تراژدی هستی و در حال بیان کردن حس فاجعه، وقتی این مدل کلمات در یک وزن غزل بیاید، شعر به صورت فکاهی درمی‌آید.

■ **«سفر بمباران» یک مجموعه است که با توجه به عنوان آن، وقتی که مخاطب آن را ورق می‌زند، در نگاه اول فکر می‌کند صرفاً متمرکز روی بحث فلسطین و یهود است ولی وقتی اشعار را مطالعه می‌کند از میانمار، یمن و… ظلم**

#### نظرات دیگران

**میلاد عرفان‌پور**: مجموعه شعر «سفر بمباران» پدیده‌ای ممتاز و متمایز در میان آثار اجتماعی– سیاسی ادبیات امروز است. علی‌محمد مودب که پیش از این، سروده‌هایش بویژه در قالب سپید مطرح بوده است با «سفر بمباران» پنجره‌ای تازه بر شعر انتقادی، انسانگرا و هنجارشکن گشوده است. موضوع سفر بمباران، انسان است و انسان و انسان. انسانی که در حصار مدرنیته و ستم مدرن مانده است و راه گریز می‌جوید.



**مصطفی محدثی خراسانی**: بحث محتوای شعر وجه تمایز پررنگی است که شعر انقلاب را با دیگر شعرهای روزگار خود متمایز می‌کند. ما اوایل انقلاب از قالب‌های متداول شعری برای سرودن اشعارمان استفاده می‌کردیم و تنها محتوا و شور انقلابی بود که توانست تأثیر خود را روی زبان بگذارد و زبان را به سمت حماسی بودن سوق دهد. در این مدت ما جذبۀ دستاوردهای شعر انقلاب که همان تحولات ذهنی و زبانی بوده است را داشتیم که



**و ستم‌هایی که هست را می‌بیند، اشعار این کتاب حاصل یک حس مشترک در زمان‌های مختلف بوده یا همه در یک زمان سروده شده‌اند؟**

آن شعر بلند «سفر بمباران» در یک دوره خاصی از جنگ ۳۳ روزه حزب‌الله لبنان سروده شد ولی حال من در این سال‌ها اینگونه بوده که انسانی خانه‌اش زیر بمباران قرار می‌گیرد چه از نظر فرهنگی و چه از نظر دیگر مسائل! بمب‌ها به صورت خوشه‌ای روی زندگی مردمان ما در حال بارش است. در این دنیای جدید و دیجیتالی و فضای مجازی، اتفاقات عجیبی در حوزه باورهای ما در رخ حال دادن است. اما یک بمباران فیزیکی هم هست در یمن، فلسطین، میانمار و… که باز هم خودم را از انسان یمنی جدا نمی‌بینم، چرا که احساس می‌کنم این اتفاق در گوشه‌ای از خانه خودم می‌افتد؛از کتاب اول هم تا به امروز، درباره بحران‌هایی که این مردم دارند، شعر سرودم. به هر حال ما ظلم واضحی را علیه مردمان کشورهای همسایه خود می‌بینیم که در این اردوگاه به اصطلاح تمدن، شکوه و انسانیت در حال رخ دادن است و حمایت مضحکی از عربستان و هم‌قطارش می‌شود. من علاوه بر اینکه از مظلومیت مردمان دیگر شعرسرای می‌کنم، درباره مشکلات مردم خودم هم اشعاری سرودهم ولی در کنار این نمی‌توانم فرق بین آن دو را



**متوجه نشوم، در اینجا سومدیریت، بحران و درگیری‌های شدید و اختلاف طبقاتی و… هست ولی از یک جایی به بعد دیگر ظلم‌ها خیلی واضح است و به نظم کسی که در این دوره قلم زده، اگر درباره آنها ننویسد، به مفهوم زیبایی و زشتی بی‌اعتنایی کرده‌است. ■ ادبیات استکبارستیزی در شعر معاصر سا چگونه بوده است؟**

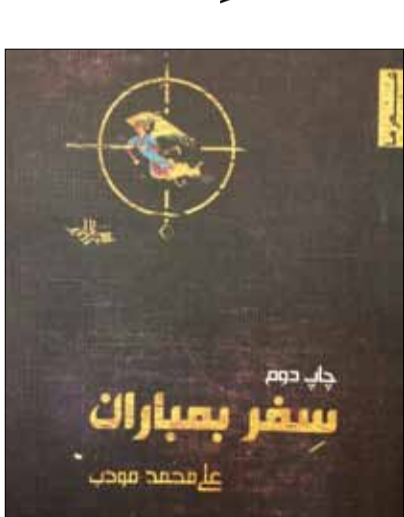
یک وجهی که جوانان هستند، با حضور مدافعان حرم موجی از آگاهی در جوانان ایجاد شده و به صورت خودجوش در حال سرودن شعر هستند. در یک دوره‌ای شاید تحت تأثیر جشنواره‌ها بودند ولی الان خیلی خوشحالم از اینکه یک گروه تلگرافی درست می‌کنند و در آن جادرابه این پدیده‌ها اظهارنظر می‌کنند و نیازی هم به این جشنواره‌ها ندارند! موج استکبارستیزی و ظلم‌ستیزی در اشعار نسل جوان ما خیلی خوب در حال رشد است. اما در کل ما یک پدیده شگفتی مثل آمریکا را در ادبیات خودمان حتش را ادا نکردیم. آمریکا برای ایران یک مفهومی است که نمی‌توان آن را حذف کرد حتی در زمان پهلوی از یک زمانی به بعد آمدند و مقررات مردم تحت تأثیر حضور آنها و سایه توطئه‌های مستشاران آمریکایی است. اگر کسی ذره‌ای تاریخ ایران را بشناسد، از یک دوره‌ای به بعد آمریکا سایه شوم سنگینی روی زندگی ایرانیان

غیر حرفه‌ای احساس می‌کنند براحتی می‌توان این اثر را خلق کرد. **علی داوودی**: آنچه دغدغه مؤدب در کتاب «سفر بمباران» است را باید از این منظر ببینیم که جامعه انسانی بدون انسان چه لطمه‌هایی خواهد خورد در حقیقت دغدغه شاعر در این کتاب جست‌وجوی انسان و داشته‌هایش است. آن چیزی که امروز زندگی‌مان را فرا گرفته، ادبیات‌مان را نیز تغییر داده است و این مساله دغدغه شاعر به شمار می‌رود، به عبارتی کشف پوچی و آنچه یوسف علی میرشاکاک از آن به عنوان نیست‌انگاری یاد می‌کند به دغدغه شاعران تبدیل شده است. دنیای غرب از غفلت ما در برابر برخی مسائل مانند غزه استفاده کرده در حالی که ما نسبت به آنها غفلت کرده‌ایم و شاعر در کتاب «سفر بمباران» به این مساله می‌پردازد در حقیقت مؤدب در این کتاب با همان ادبیاتی که دیگران در تبلیغات خود به کار می‌برند به مسائل پرداخته است و همانند جملات آنها را به کار می‌برد البته ما چون از نیت شاعر آگاه هستیم به این موضوع پی می‌بریم.



**حمیدرضا شکارسری**: «سفر بمباران» اثر مدرنیستی‌ای است که به نقد جهان مدرن و فجایع آن می‌پردازد. اثر مدرن می‌تواند در تقابل با آثار پست‌مدرن قرار گیرد و «سفر بمباران» اثر مدرنیته‌ای است که به نقد جهان مدرن و فجایع آن می‌پردازد؛ یکی از ویژگی‌هایی که باعث می‌شود این اثر اثر مدرن بدانیم، زبان آن است. در حقیقت در این اثر از ساختار موزون که ساختار کلاسیک است صرف‌نظر شده و به همین دلیل مخاطبان

## سفر در «سفر بمباران»



به چشم می‌آید. نحوه بهره‌گیری از کلمات لاتین نیز در اینجا قابل توجیه است چنانکه با اشاره به Nestle که نشان تجاری کالاهایی خوراکی از قبیل شیرخشک و… است بر رسوخ این کالاها در خون مصرف‌کنندگان آن تأکید می‌کند. شاعر برای پافشاری بر مواضع خویش، نحوه این شعر را از روی ترجمه‌های قرآن و تورات الگوبرداری کرده است؛ از همین رو موسیقی بیرونی کلام در انتقال معانی، هماهنگی با نیاز مضمون شعر است.

… زندگی دکمه بازگشت ندارد/ اما هرگاه میل‌مان بکشد/ دکمه‌های مرگ‌تان را می‌فشاریم/ پس آیا نشانه‌های ما را در هیروشیما نمی‌بینید/ آیا عبرت نمی‌گیرید از ویتنام؟! از عراق و افغانستان؟

\*\*\*

یکی دیگر از شگردهایی که مودب در سفر بمباران برای تأثیر بیشتر کلام از آن بهره برده است طنز آمیخته با کنایه است. استفاده از این تکنیک در سفر بمباران بسیار فراوان است و می‌توان نمونه‌های زیادی از آنها به دست داد. در اینجا به چند نمونه اشاره می‌کنیم:

#### پنجشنبه اول تیر ۱۳۹۶

می‌اندازد و این سسایه مثل یک بیماری به جان مردم افتاد و تا زمان انقلاب اسلامی برداشته نشده بود. آمریکایی‌ها پس از انقلاب، اقدامات ظالمانه‌ای را علیه مردم ما ایجاد کردند، فتنه‌هایی که تا الان هم ادامه دارد و فقط چهره آن عوض شده؛ در یک دوره جنگ، یک دوره جنگ روانی، جنگ اقتصادی، تحریم و… بوده است. این سطح از دشمنی که آمریکا با مردم ما داشته، اصلاً در ادبیات ما حتش ادا نشده و شعر و هنر ما در این عرصه خوب کار نکرده است. باید در شعر و هنر، آمریکا را برای مردم توضیح داد، در سال‌های اخیر شعر «آمریکا»ی آقای سیار و دیگر هنرجویان موجی را در کشور راه انداخت. اما اکثریت مردم ما از سسایه شوم آمریکا غافلند و چه به صورت تحلیلی و چه به صورت برخورد با یک اثر هنری که آنها را در موقعیت قرار دهد تا متوجه شوند آمریکا چه بر سر ما آورده است، لزوم آن هست. نظر آمریکایی‌ها این است که «یا باید بمیری یا باید مشتری من بشوی و خودت را به من بفروشی و هویت خود را فراموش کنی!»

■ **با توجه به این همه هنرهای جدید از قبیل سینما، موسیقی و… که آمده است، آیا شعر همان کار کرد اصلی و قدیمی خود را می‌تواند داشته باشد؟**

من معتقدم «شعر» شلیک اول یا همان فرمان آتش است که به دیگر هنرها جهت‌دهی می‌کند حتی در دل سینماگران ما نوعی شاعری هست که آنان را توانمندتر می‌کند و بطور مثال ابراهیم حاتمی کیا شاعر سینمای ایران است. «شعر» علمدار است و خط را باز می‌کند، تمدن ایرانی میزماش شعر است، با شعر جهان پیرامون خود را می‌شناسد. درباره مفهوم دشمن یا شیطان‌شناسی و… کم‌کاری و غفلت در این عرصه صورت گرفت و آسیب‌هایی هم خوردیم.

■ **شما در مسائل اجتماعی، استکبارستیزی و این دست مسائل اشعار زیادی سروده‌اید، ما یک تهدید برای شعر مشاهده می‌کنیم که بعضاً «شعر» شعارزده می‌شود، به نظر شما چه ترفندهایی را می‌توان استفاده کرد که شعریت «شعر» حفظ شود و در عین حال شعارزده نشود؟**

شعارزدگی نتیجه عدم شناخت و پوچ بودن شاعر است، شعارزدگی نتیجه آن است که شاعران حرفی که می‌زنند را متوجه نشده و اشعارشان غیراستاندارد است. مثلاً از غم فلسطین و لبنان می‌گویند ولی آدمی هست که در زندگی خودش این غم را درک نمی‌کند! وقتی شناخت و درگیری‌مان واقعی نیست، شعار می‌دهیم و حالت توهمی در وجود ما نمود پیدا می‌کند، شاعر باید شناخت و وجود خودش را رشد و گسترش دهد. یعنی ما اگر اعتقاد بر این داریم که اسلام مرز ندارد یا در کلمات حضرت امام مفهوم مستضعفین فقط برای مردم کشورمان نیست بلکه به تمام مستضعفین جهان اطلاق می‌شود، برای این باید ادراکات خود را افزایش دهیم. یادم هست شبی با دوستان نشسته بودیم، پیامکی آمد که یکی از دانشمندان هسته‌ای ما تورر شد، دوستان به گپ و گفت و خنده ادامه دادند. من خیلی حالم متغیر شد و به دوستان گفتم ما شاعر هستیم و خبر ترور و شهادت دانشمندی آمده است، چرا ما این موضوع را ادراک نمی‌کنیم و حالت‌مان تغییر نکرده است، خب! پس ما شاعر نیستیم، چرا که شاعری به قافیه و لفظ نیست. شاعری به این است که اگر یک خبر می‌آید من با «خبر» شوم و درک کنم چه اتفاق سهمگینی افتاده است. ■ **در مجموعه «سفر بمباران» رگه‌هایی از طنز را دیدم که با توجه به بشعرتی که از شما خوانده‌ایم، گویا میزان طنز در این اشعار بیشتر است، آیا شما با توجه با محتوای این اشعار، این مضامین را به کار می‌برید؟**

نه! با توجه به آن حادثه است، من وقتی از یک موضوع عاشقانه حرف می‌زنم، جنس طنزش فرق می‌کند و وقتی از این ناهمگنی شگفت در عالم انسانی حرف می‌زنم نوعی لودگی در آن است. وقتی از مفاهیمی همچون دختران mp3 یا mp4 استفاده می‌کنم، در آن پدیده نوعی عدم تناسب و لودگی است که مفهوم غالب جامعه ما شده است. وقتی من شعر عاشقانه می‌گویم آنقدر ناموزونی و درهم ریختگی در آن موضوع نیست ولی وقتی از یک نبرد فرهنگی حرف می‌زنم، نبرد فرهنگی یعنی اسیدپاشی‌هایی که در حوزه معنا و فکر می‌افتد، این ناهماهنگی‌ها نشان‌دهنده بمباران فرهنگی است.

دشمنی برخاسته‌اند و ایستاده‌اند و از تکه‌تکه شدن قامت حسین(ع) لذت می‌برند. از نظرگاه شاعر اشاعی بی‌ند و باری و بی‌اخلاقی در سینمای ایران تا حدی است که وی نه‌تنها احساس خطر کرده، بلکه هشدار می‌دهد با این کار آرمان حسین و یاران شهیدش حفظ نخواهد شد؛ به همین خاطر است که شاعر در فراز دیگری از همین شعر در لافقه‌ایهام به «ستار»‌های سینمایی طعنه می‌زند:

ستارها در تاریکی سینما به غیرت ما طعنه می‌زنند
\*\*\*

فروغنی نامبارک/ دامن دخترانش را/ برای رقص بعدی قیچی می‌زند

کنایه پارچه را قیچی‌زدن کنایه‌ای است آشکار در معنای عزم کردن برای دوختن جامه و لباس. اما شاعر در اینجا با ایهامی لطیف، «بار دادن نفوس ملت» را نشانه گرفته است که در ادبیات بی‌سابقه بوده است. شاعر در اغلب شعرهای این کتاب نشان داده نگاه او محدود به جامعه و تحولات داخلی آن نیست. این رویکرد با اصطلاح دهکده جهانی بیگانه نیست و اصلاً در دنیای امروز تمام اتفاقات جهانی می‌تواند در سرنوشت دیگر کشورها و سیاست‌های‌شان تأثیر گذار باشد و با وجود فرسنگ‌ها فاصله در شمار خطوط قرمز سیاسی– فرهنگی آنها به شمار بیاید. با این توصیف نگاه شاعر در این کتاب فرانچاخی و انسانی است و محدود به سیاست و مذهب نمی‌شود؛ چنانکه معترف است:

حتی برای عرقی‌ها با گریه شعر گفتم!/ با آنکه وقتی به سربازی رفتند/ پسرعموهایم را کشتند!

مؤدب برای هائیتی‌ای شعر گفته است که تا چندی پیش برای جامعه ما نقطه‌ای ناشناخته بوده است. با چنین دقت و تاملی در اوضاع جهان نباید تعجب کرد که شاعر برای مظلومیت غزه و افغانستان چیزی بنویسد یا بر آمل برادررفته افغانستان بگیرد. در هر صورت این کتاب با گوشه کنایه‌هایی که به انسان امروز می‌زند در پی رسیدن به آرمان شهری است که قرن‌ها بشر از آن فاصله گرفته است. بی‌شک این کتاب نیز مانند تمام دیگر آثار ادبی دچار فراز و فرودهایی است اما همانطور که در آغاز کلام گفته شد هدف از این نوشتار تحلیل زیبایی‌ها بوده است که اکثریت متن را تشکیل می‌دهند. با این توضیح خواننده را به مرور عمیق تر این کتاب دعوت می‌کنیم و همچنین نوزدهمین کتاب با عنوان «بخت که زبان مردم جامعه، می‌تواند انتظار عموم مخاطبان را برآورده کند.

■ **شاعر و پژوهشگر ادبی**